

تدوین و ادراک آهنگ فضا

سیر کثرت به وحدت در طول زمان

مهندس محمد حسین مسعودی

مربی، مجتمع هنر و معماری، دانشگاه یزد

• جزئیات در معنادر کردن فضا چه نقشی دارند؟

• کل و جزء در ادراک فضای معماری با هم چه رابطه‌ایی دارند؟

• رابطهٔ کثرت و تنوع در خلق فضای معماری چیست؟

چکیده

تعریف جهان مخلوق^(۱) را می‌توان در خلاصه‌ترین شکل خود در جملهٔ "یکی بود یکی نبود"^(۲)، به معنای سیر از وحدت به کثرت^(۳) و سیری دیگر از کثرت به وحدت^(۴) یافت. در سیر کثرت به وحدت جهان هستی، که دامنه‌ای از کوچک‌ترین ذرات تا کهکشان‌ها و بزرگ‌ترهای ناشناخته را در بر می‌گیرد، ترنمی بس بدیع نهفته است، که درک تنها گوشهٔ کوچکی از آن به مکاشفه‌ای عمیق، با قلبی لطیف و حساس نیازمند است.

در معماری، به عنوان یک اثر مخلوق، نیز ایجاد یک کثرت و به وحدت رساندن آن، که در تعامل با انسان داستان باشد و یا ترنمی را در خود مستتر داشته باشد مورد نظر معماران فرهیخته این سرزمین بوده است، که آثار ارزشمند معماری این مرز و بوم گواه و شاهد آن است.

اگر بپذیریم عاملیت انسان، چه در آفرینش و چه در بازشناسی فضای معماری و تعامل او با فضا سبب می‌شود فضای معماری از حالت ایستایی، جمود و بیجانی خود خارج

شود، بی شک بودن و حضور او در فضا است که حرکتی را جهت بازشناسی ارزش‌هایی ایجاد خواهد کرد که از طریق تدوین و انتظام اجزای فضا (سیر کثرت به وحدت) حاصل شده است؛ و از طرف دیگر، وجود کثرت در فضای معماری (بدون کثرت هیچ مخلوقی قابلیت خلق شدن را ندارد) و نقش آن در تعامل با انسان، تأثیری عمیق بر خلق فضای ادراک شده توسط انسان خواهد داشت.

این مقاله تلاشی است در تبیین نقش جزئیات در ادراک و معنادر کردن فضا در طول زمان و پیمودن راهی از اشاره به مبانی نظری مربوط به ادراک، زمان، مکان، توالی و... تا مکاشفه تصویری و ملموس از موضوع؛ تبیین رابطهٔ بین جزء و کل در ادراک فضا در یک توالی زمانی که بُعد دیگر فضا (زمان) را مطرح می‌کند و دریچه‌ای را فرا روی معمار امروز در جهت غنا بخشیدن و معنادر کردن مخلوق خود به عنوان یک اثر معماری باز می‌نماید.

صحنه پردازی در فضا (حرکت و ادراک فضا)

مهم ترین اندام حسی در ادراک فضای معماری چشم (حس باصره) است، که محرک های نوری را به شکل تصاویر به دستگاه عصبی منتقل می کند^(۵). ولی تنها وجود تحرکات حاصل از یک تصویر برای ادراک فضا کافی نیست. به عبارتی، ادراکات انسان از فضا از طریق دیدن تصویری (عکسی) از آن، با ادراک همان فضا از طریق «حضور» در آن قابل مقایسه نیست.

از نقطه نظر عوامل بیرونی مؤثر بر ادراک، تنها یک تصویر مبین تمام مشخصه های فضا نیست. حضور انسان در فضا نه تنها به خاطر حرکت های فیزیکی چشم و بدن او، بلکه به طور کلی در یک ظرف زمانی قرار دارد، و این، تسلسلی از تحرکات حسی را به صورت یک سری تصویر پشت سرهم با یک توالی زمانی به همراه خود دارد. تصاویری که چه از نظر حرکت اندام های بدن و چه از نظر حساسیت گزینشی فرد، و چه از نظر تغییرات زمان با یکدیگر متفاوت اند.

در هر پررود زمانی صحنه مشخصی از فضا، میدان دید انسان را اشغال می کند و تصاویرهای متعدد برداشت شده از این صحنه ها (به واسطه حرکت چشم یا اندام های دیگر) قابل تفسیر و تحلیل توسط مغز هستند و با حرکت فیزیکی انسان لحظه به لحظه صحنه عوض می شود و انسان در تعامل با صحنه ای دیگر از فضا قرار می گیرد.

"تصویرهای متعدد" از یک صحنه بدان معنا نیست که هر تصویر به طور جداگانه قابل تشخیص و ادراک است، بلکه مجموعه آنها موجودیت مستقلی است که تشخیص و ادراک شخص از هر صحنه فضا^(۶) را موجب می شود.

تصاویری در پی برداشت شده از صحنه هنگامی گویای معانی و مفاهیم نهفته در خود هستند، که تسلسل در ادراک و احساس آنها نیز وجود داشته باشد. این تسلسل تنها از طریق قرارگیری تصاویر پشت سر هم انتقال نمی یابد، بلکه تغییر و تحول تصاویر ضروری است، تا ضمن ایجاد تصاویر تازه، تعاقب و استمرار به وجود آید.

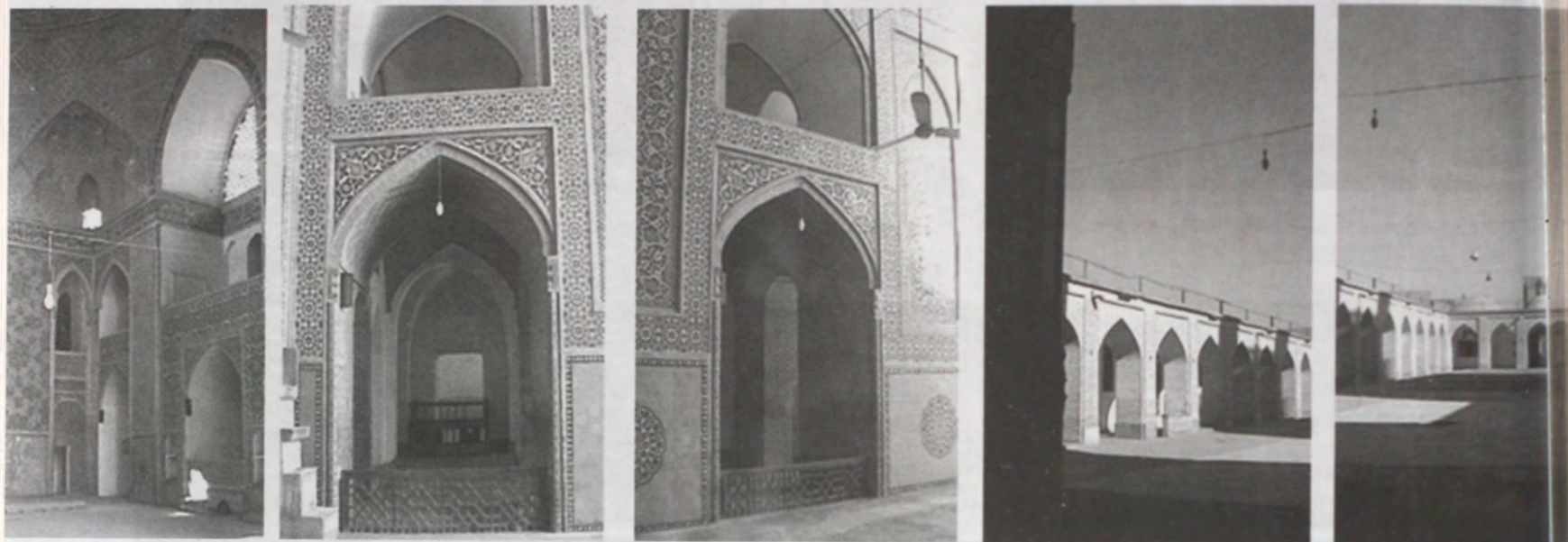
«حرکت» چه به صورت مادی و ظهور عینی آن متحد با



تصویر ۲۰. چنانکه در تصویرهای پررودیک ۲۰۱ پیداست، با حرکت انسان به طرف یک بوته گل مجموعه ای از تصاویر آن انسان را تحت تأثیر قرار می دهد که بعضاً تنوع زیادی دارند.



تصاویر ۳۰. با حرکت به سوی دو شاخه گل، در هر کدام حداقل چهار صحنه شاخص قابل تشخیص هستند.



تصویر ۵. صحنه های متوالی قابل ادراک در حرکت چرخشی چشم و سر از یک نقطه در مسجد جامع یزد.

جسم، و چه به صورت نفسانی و ظهور ادراکی آن در مشاعر انسانی و متحد با نفس، موجب این استمرار می شود.

به منظور اینکه مجموعه تصاویر پی در پی در یک تسلسل و استمرار به تصویری واحد منتهی شوند، لازم است علاوه بر ظهور عینی^(۷)، ذهن را نیز در حرکت با خود داشته باشد تا موجبات اتصال و وحدت تصاویر فراهم شود.^(۸)

به عبارتی، تسلسل و توالی تصاویر دریافت شده به گونه ای است که باعث ادراک صحنه ای از فضا می شود و در نهایت مجموعه ادراک انسان از صحنه های مختلفی که در فضا وجود دارد، ادراک انسان از کل فضا را شکل می دهد.

آنچه باعث پیوند هر صحنه با صحنه های ماقبل خود می شود، پس زمینه ای است که از صحنه های قبل در ذهن ایجاد شده است و آثار آن در حافظه انسان وجود دارد. ارتباط هر صحنه با صحنه های بعدی، به واسطه پیش داورهای ذهن شکل می گیرد که در تشخیص و ادراک صحنه های بعد بسیار مؤثر خواهد بود و گاهی باعث ادراک بهتری شود و گاهی ادراک فضا را سخت و مشکل می سازد.

بنابراین، آنچه باعث تسلسل تصاویر و در پی آن تسلسل صحنه ها در یک فضای معماری می شود، مربوط به امور ذهنی است که همراه با مواجهه با تصاویر و ادراک صحنه ها، اتصال و توالی آن ها را در پی دارد، چه به صورت خاطرات و اندوخته ها و تجربیات قبلی، چه رابطه ای که نمادها، عناصر سمبلیک و رمز و رازها با ذهن برقرار می کنند، و چه فرهنگ فردی و اجتماعی، و با نفوذ به حیطه ذهنی و شخصی افراد، پیام و معانی خاصی را تبادل می کنند، و در حقیقت در پس هر صحنه، می توان به طور مستمر و مداوم تداعی و حدس هایی را برداشت کرد و بدین طریق مجموعه ای از تسلسل و اتصال، به وحدت دست می یابند.

ادراک پی در پی و متوالی صحنه ها در طول زمان همانند فرازهایی از یک قطعه موسیقی یا پرده هایی از یک تئاتر است که پشت سرهم قرار گرفتن آن ها، کلیت قطعه موسیقی یا تئاتر را ساخته و پرداخته می کند، به طوری که اگر ارتباط بین آن ها توسط شخص ادراک کننده حس نشود، احساس وحدت در فضا دشوار خواهد شد.



تصویر ۶. صحنه‌های متوالی قابل ادراک در حرکت از صحن به طرف محراب در مسجد جامع یزد. توالی صحنه‌های متنوع و مختلف در این مسیر خالق آهنگی بدیع و متنوع است که می‌تواند انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد.



تصویر ۷. در این تصویر توالی چند صحنه حاصل از حرکت در مسجد جامع یزد نشان داده شده است، که بسیار متنوع و برانگیزنده است.



تصویر ۸ و ۹. این تصویر نوعی توالی از صحنه‌های بسیار زیبا و هنرمندانه حاصل از حرکت به طرف سردر مسجد جامع یزد است، با بارمعنایی عمیق، تنوع زیاد و چنان جذاب و زیبا که انسان را به تحیر وامی‌دارد. در بین این صحنه‌ها، همان‌طور که در تصویر ۹ پیداست، حداقل شش صحنه شاخص وجود دارد، که هر یک به تنهایی در حد یک اثر بدیع هنری قابل ملاحظه است.



تصویر ۱۰ در این تصویر چهار صحنه حاصل از حرکت به طرف نمای یکی از ساختمان‌های دانشگاه یزد نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بی‌تنوعی در صحنه‌ها آهنگ حاصل از توالی صحنه‌ها، صدایی یکنواخت و بی‌معنی را تداعی می‌کند.

در تصاویر ۱۱ و ۱۲ که نشان دهنده چهار صحنه حاصل از حرکت به سوی ساختمان اداره پست و ساختمان اداره برق استان یزد هستند، عدم وجود پیام در صحنه‌های آخری که در میدان دید انسان قرار می‌گیرند و نامتناسب بودن ترکیب آن‌ها در ادراک توالی صحنه‌ها، تداعی کننده صدایی است که به تدریج یکنواخت و گوش‌خراش می‌شود.

یک فضای معماری همانند یک قطعه موسیقی است که به دست انسان و با عاملیت او آفریده شده و با حضور انسان در آن آماده نواختن می‌شود، به امید آنکه نوای آن بر دل و جان اثر کند. هنر و توانایی آفریدگار آن علاوه بر تأمین راحتی جسم با قرار دادن استادانه اجزای فضا در کنار هم می‌تواند خالق آهنگی بدیع باشد که بر روح و جسم انسان تأثیر گذارد. و بدین ترتیب فضا مانند موسیقی قابلیت نواختن

آهنگ‌های متنوع، شاد، دلنواز، هماهنگ یا برعکس، آهنگ‌های یکنواخت، آزاردهنده، گوش‌خراش و بدون معنا را خواهد یافت و این قابلیت به چگونگی خلق اجزا و زوایای فضا و یا نوع قرارگیری جزء فضاها در تعامل با یکدیگر بستگی دارد. در این فرایند نه تنها هر صحنه از فضا می‌تواند حاوی اطلاعات، معانی و مفاهیم خاص خود باشد و داستانی برای مخاطب خود بیان کند، مجموعه صحنه‌های



همان طور که در تصویر ۱۳ و به خصوص در تصویر ۱۴ پیداست، اگر ایجاد ارتباطی منطقی بین صحنه‌ها، در توالی بین آن‌ها توسط ذهن انسان سخت باشد، گسستگی و انفصالی در آهنگ حاصل از توالی صحنه‌ها احساس می‌شود.

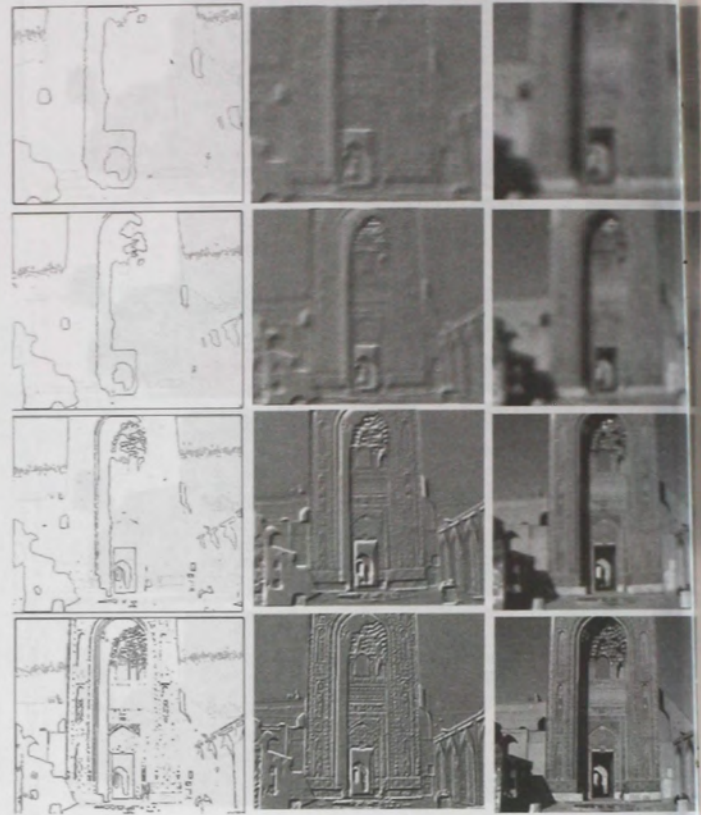


تصویر ۱۵. در این مجموعه تصویر، جزئیات ادراک شده از محراب مسجد جامع یزد، در چهار مقطع متوالی از زمان (در چهار پرده) نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، ادراک متوالی پرده‌ها آهنگی زیبا و با طراوت را نداعی می‌کند.

متوالی نیز مخاطب را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این خود در رسیدن به پویایی و تنوع در فضا نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

پرده‌بندی در صحنه‌ها (زمان حضور و ادراک جزئیات فضا)

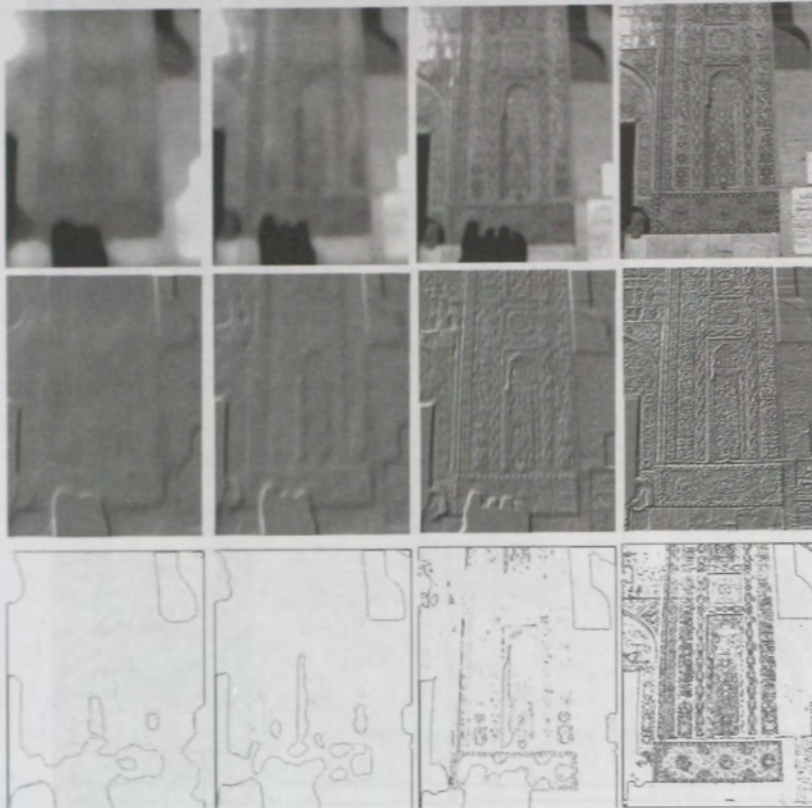
برای دستیابی به تسلسل در ادراک مجموعه تصاویر و صحنه‌ها، می‌توان همزمان با حرکت از زمان نیز نام برد. هرچند حرکت و زمان بر حسب مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند، وجود هر یک عین دیگری است.



تصویر ۱۶. در این تصویر ادراک جزئیات یکی از صحنه‌های سردر مسجد جامع یزد (تصویر ۸) در زمان‌های متوالی (در چهار پرده) نشان داده شده است، که آهنگی با اوج در پرده سوم و لطافت در پرده چهارم را به نمایش می‌گذارد.

زمان حضور انسان در فضا او را در معرض همه محرکات مرتبط با صحنه‌های موجود در فضا قرار می‌دهد، ولی با توجه به مطالعات روان‌شناختی می‌توان ادعا کرد که تمام جزئیات، به‌رغم تأثیر بردستگاه عصبی، همزمان ادراک نمی‌شوند و نوعی تقدم و تأخر زمانی در ادراک جزئیات یک صحنه وجود دارد.

این تقدم و تأخر تحت تأثیر عوامل بیرونی (شدت تحریکات در احساس محرک‌ها یا اختلاف بین آن‌ها، روابط بین اجزا) و عوامل درونی (توجه و دقت، نیازها و انگیزه‌ها، دفاع ادراکی، آمادگی و انتظار ادراکی، حالت انفعالی، زبان و

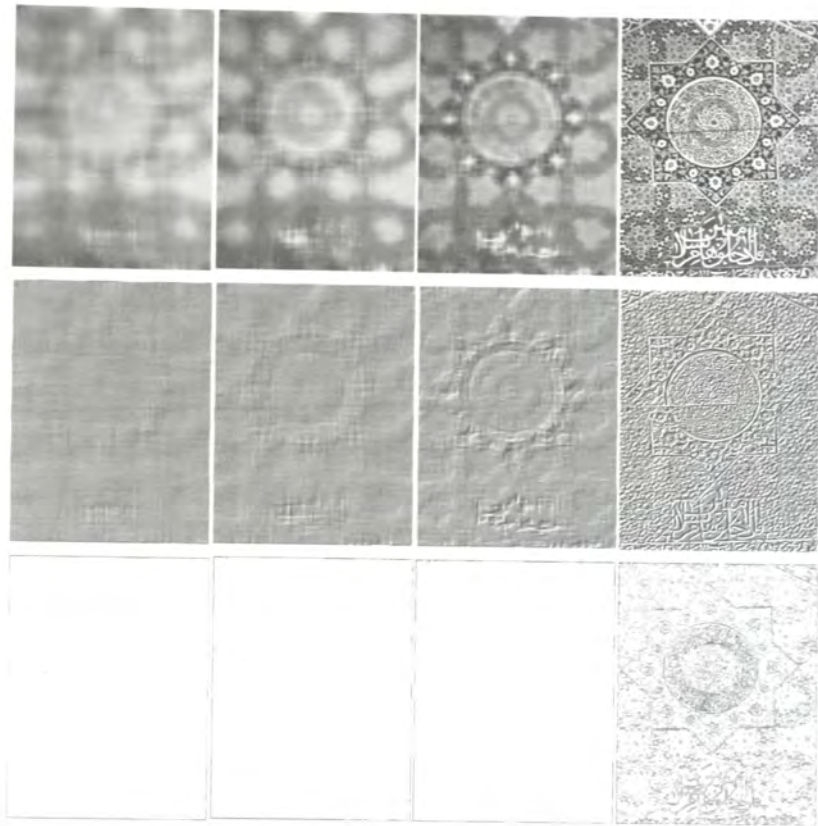


تصویر ۱۷. در این تصویر نیز ادراک صحنه دیگری از سردر مسجد جامع یزد در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است.

الفاظ، تفاوت‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی، تخصص و... حاصل می‌شود.

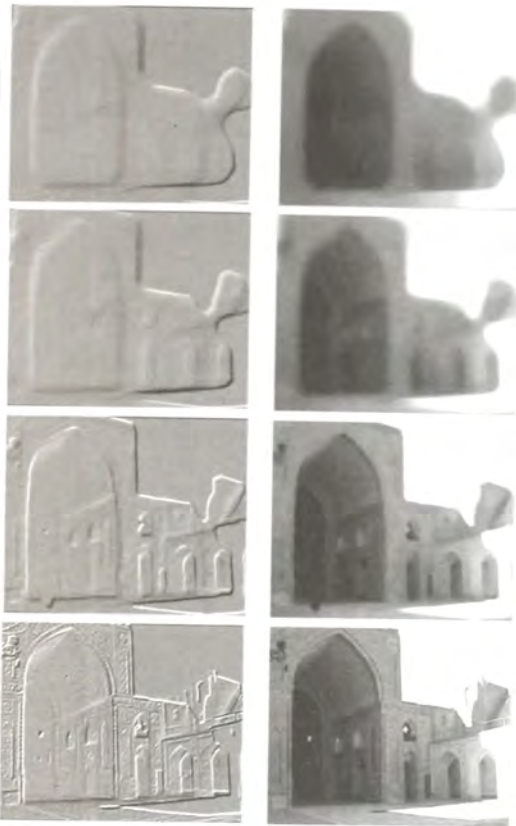
ادراک جزئیات با تقدم و تأخر یا در مقاطع زمانی مختلف به صورت متعاقب و متسلسل، نوعی حرکت را در ذهن انسان تداعی می‌کند، که درک آن در فرایند ادراک فضا در طول زمان و آفرینش و بازشناسی آهنگ فضا نقش مهمی ایفا می‌کند.

جزئیات ادراک شده در هر مقطع زمانی را به پرده‌ای مجازی می‌توان تشبیه کرد، به طوری که در مواجهه انسان با یک صحنه، تعدادی پرده، با اجزای خود طوری روی هم



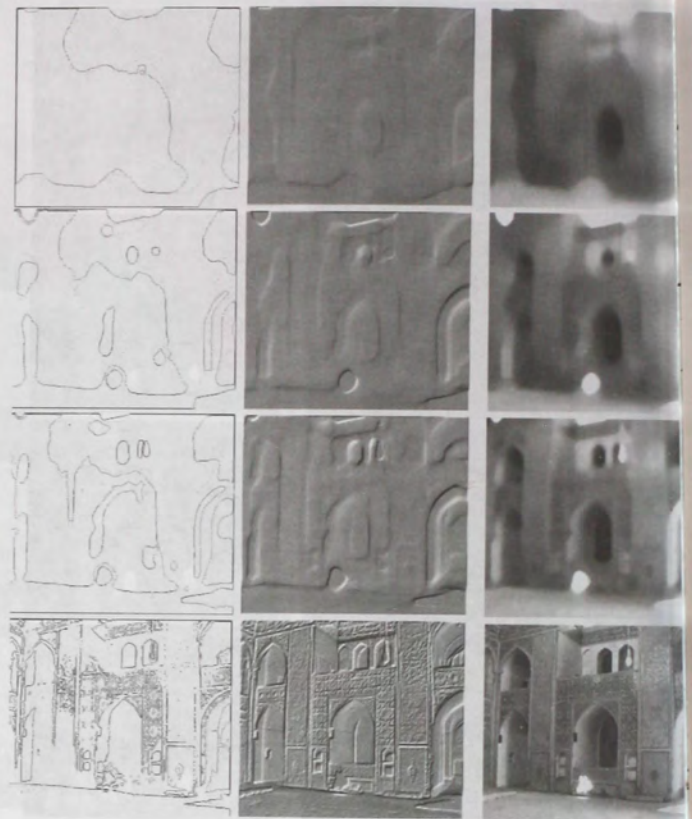
تصویر ۱۸. در این تصویر نیز ادراک صحنه دیگری از سردر مسجد جامع یزد در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است، که در آهنگ آن، شیب و فراز از پرده دوم تا چهارم قابل ملاحظه است.

قرار گرفته‌اند، که با ادراک پرده اول (موجود شدن) و کنار رفتن آن (معدوم شدن)، پرده دوم در حوزه ادراکی قرار می‌گیرد و به همین ترتیب، تسلسل در ادراک تا پرده آخر اتفاق می‌افتد. به طور مثال، یک سطح کاشیکاری شده متشکل از تعداد زیادی از اجزاست، که در هر لحظه بخشی از آن‌ها قابل ادراک خواهد بود. اگر در لحظه‌های نخست، کلیت نقش و سپس با گذشت زمان به تدریج نقش‌های کوچک‌تر و ظریف‌تر ادراک شوند، که خود حاوی اجزای ریزتری هستند، نوعی حرکت از کل به جزء را تداعی می‌کند. این حرکت می‌تواند از کل به جزء، جزء به کل یا



تصویر ۱۹. در این مجموعه تصاویر ادراک صحنه‌ای از حیاط مسجد جامع یزد در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. همان‌طور که پیداست خط آسمان در پرده اول، و اجزای دیگری در پرده آخر برجسته شده است.

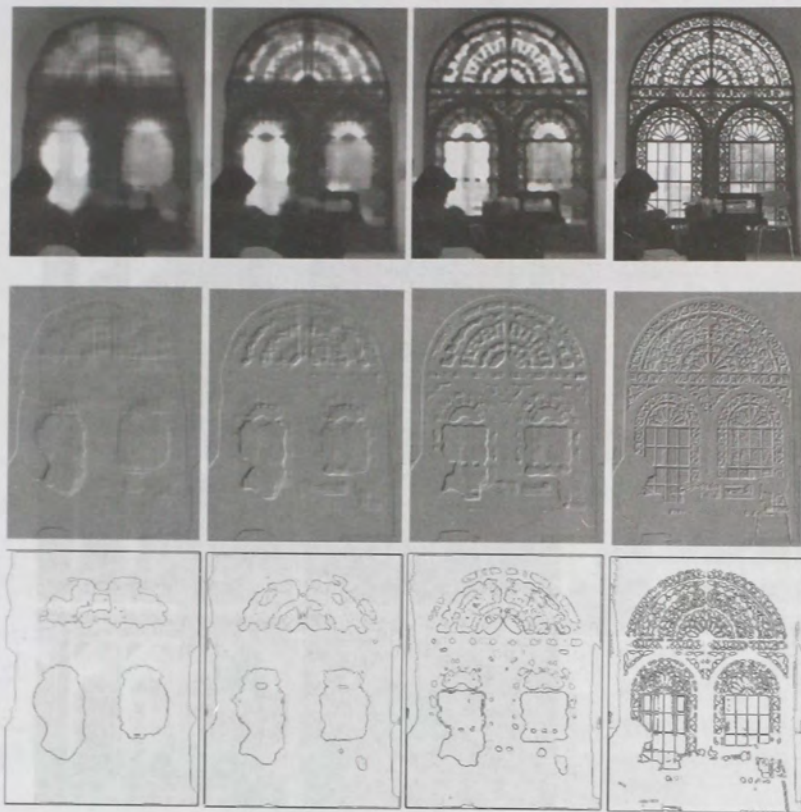
رفت و برگشتی باشد. با توجه به اهمیت تسلسل و پیوستگی بین پرده‌ها، باید نوعی سازماندهی شاخه‌ای در ایجاد رابطه بین اجزا اعمال شود، به طوری که در هر مقطع زمانی ترکیبی از اجزای محدود قابل ادراک باشد. حرکت از کثرت به وحدت و از وحدت به کثرت و هماهنگی بین پرده‌ها و وجود تنوع لازم در آن‌ها سبب پیوستگی در ادراک (حس وحدت) می‌شود و آهنگی متوازن و متنوع را به وجود می‌آورد. همانند نقش‌ها در معماری، می‌توان در هر پرده، معادله



تصویر ۲۰. همان‌طور که در این مجموعه تصاویر نشان داده شده است تنوع چشمگیری در پرده‌های ادراک شده در یکی از بدنه‌های فضای زیر گنبد مسجد جامع یزد وجود دارد.

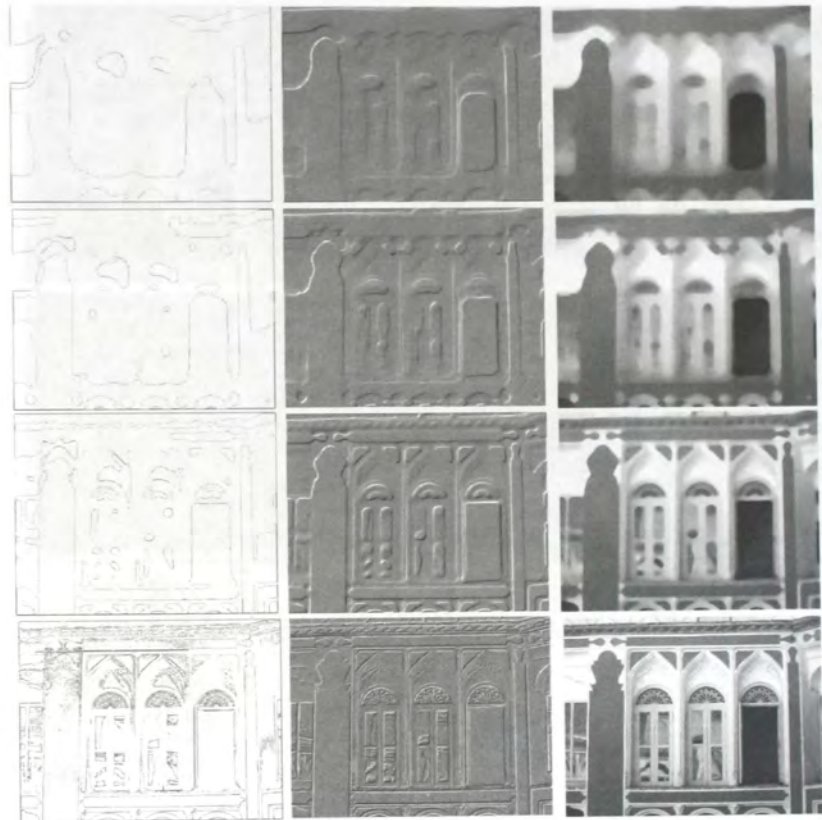
مناسبی بین اجزای همان پرده از نظر میزان کنتراست، هارمونی، وزن، تعادل، یکپارچگی و ... را به وجود آورد، تا هر پرده نسبت به پرده‌های قبل و بعد خود به همین ترتیب، هماهنگ، متضاد یا ... باشد، به طوری که تسلسل آن‌ها در یک توالی زمانی موسیقی متفاوتی را به وجود آورد. و در این فرایند تسلسل معنادار عبارت خواهد بود از قابل پیش بینی بودن پرده‌های بعد، با درک پرده‌های ماقبل.

از آنجا که توان انسان در درک اجزای یک پرده در یک مقطع زمانی کوتاه (آن یا لحظه) محدود است، اگر به خصوص تعداد اجزا زیاد باشد، ممکن است نتوان آن‌ها را



تصویر ۲۱. در این مجموعه تصاویر ادراک یک در ارسی خانه رسولیان در یزد، در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود برجستگی قسمت بالای آن در پرده دوم و سوم، و هماهنگی بین جزئیات در پرده آخر، نمایشی است ماهرانه در آفرینش آهنگ آن.

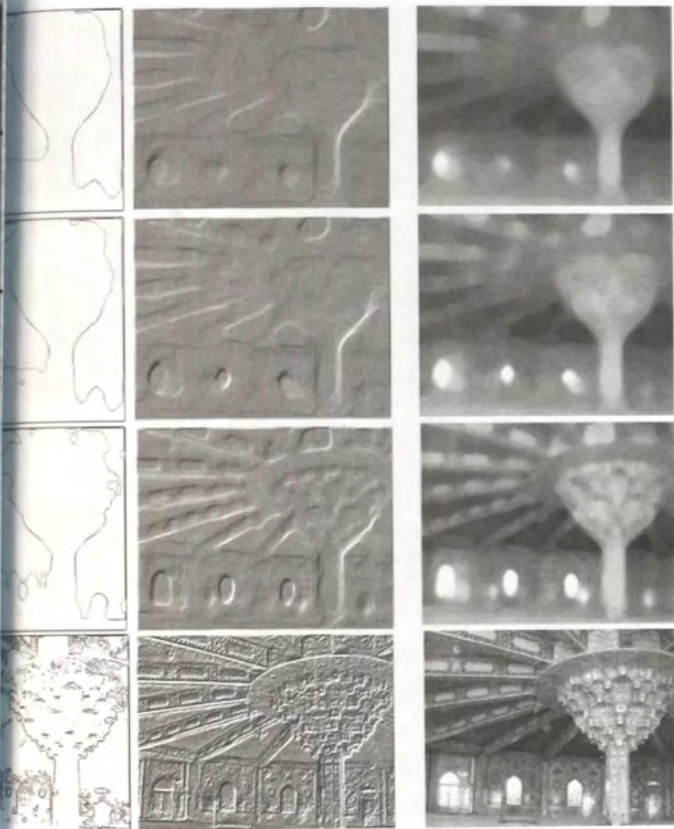
در پرده‌های جداگانه به دنبال هم و تفکیک شده از یکدیگر ادراک کرد و این اغتشاش و شلوغی و ابهام در فضا را در پی خواهد داشت (موسیقی فضا، مبهم و گنگ خواهد بود). همان‌طور که حذف بعد سوم در فضا، فضا را به نمایی دوبعدی تبدیل می‌کند، حذف تکثر در فضا و خلق فضا با جزئیات کم یا خلاصه کردن تمام اجزا در یک پرده (فضاهای یک پرده‌ای)، بعد چهارم فضا را محدود می‌کند و به فضای سه بعدی تقلیل می‌دهد، و از ظرفیت و پتانسیل‌های معنایی و مفهومی آن می‌کاهد.



تصویر ۲۲. در این تصویر ادراک یکی از صحنه‌های حیاط خانه مرتاض در یزد، در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. برجسته شدن بخشی از صحنه در هر یک از پرده‌ها، طنین متنوع و زیبایی در فضا به وجود می‌آورد.

تحول در آهنگ فضا (مکاشفه در فضا)

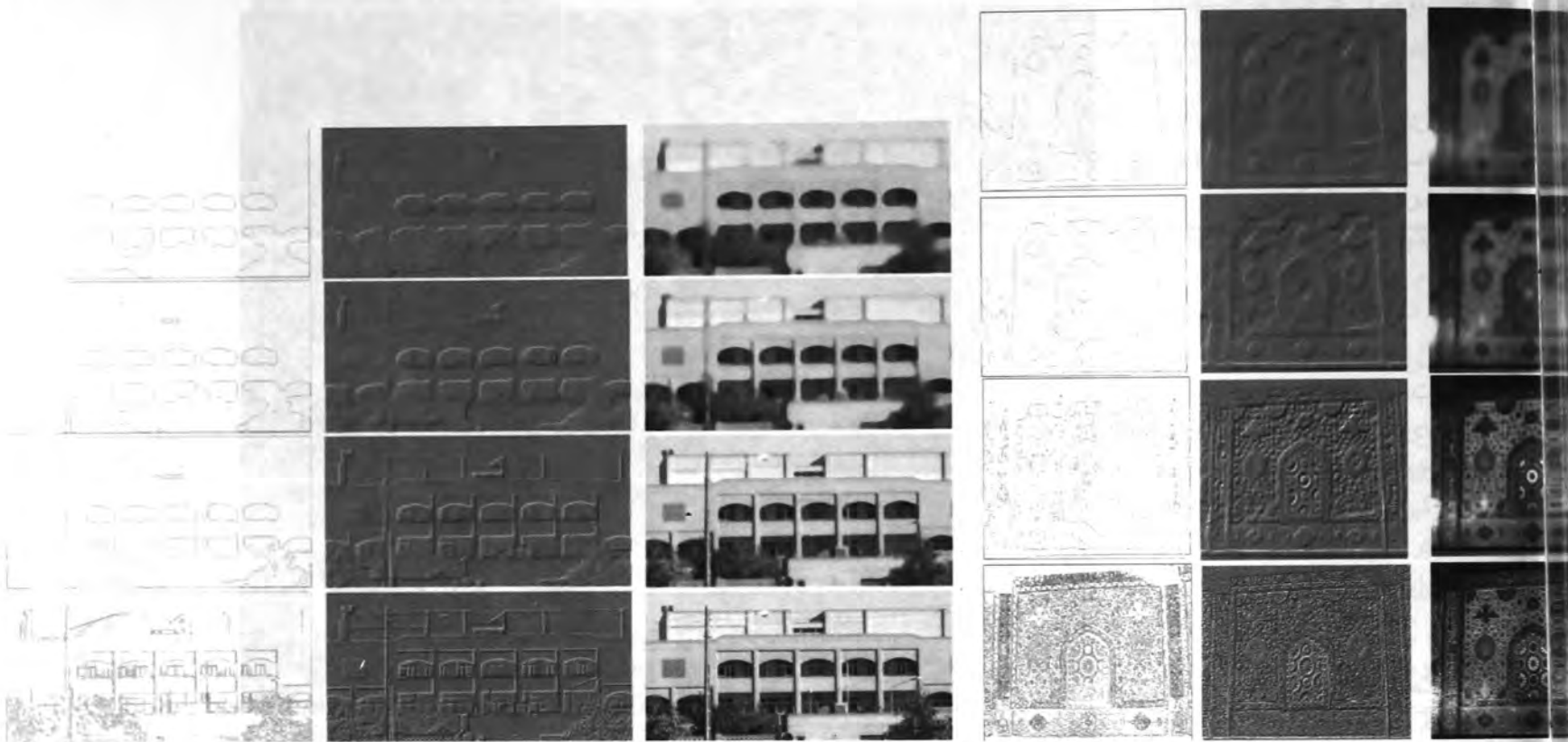
در مواجهه با سؤالاتی در مورد جزئیات موجود در فضایی که در آن حضور داشته‌ایم، پی خواهیم برد که از کم و کیف بسیاری از جزئیات موجود در آن فضا درک کاملی نداشته‌ایم و به آن‌ها توجه نکرده‌ایم؛ یا با گذر از یک فضا ممکن است صرفاً کلیت فضا را ادراک کنیم و تنها در صورت تأمل در همان فضا امکان درک جزئیات بیشتر فراهم می‌شود. به عبارتی، درک فضا به زمان حضور در آن فضا بستگی دارد. ادراک دوشخص با زمان حضور برابر در یک فضا، ممکن



تصویر ۲۳. ادراک یک صحنه از حسینیه آغا در یزد (با قدمتی حدود بیست سال)، در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده. یکنواختی آهنگ در سه پرده اول چشمگیر است و هجوم تعداد زیادی از جزئیات در پرده آخر، در حالی که کلیت هنوز برجسته است، آهنگ سنگین و شلوغی را بر انسان تحمیل می‌کند.

است کاملاً متفاوت باشد، که خود بیانگر عاملیت انسان در ادراک فضای معماری است و به عواملی چون خصوصیات فردی، اجتماعی، فرهنگی و غیره در شکل‌گیری ادراک از فضا بستگی دارد.

انسان در مواجهه با فضا ممکن است به ادراک مفاهیمی از فضا دست یابد که در مواجهه‌های قبلی از همان فضا حاصل نشده باشد، یا با تأمل در فضا، به کم و کیف ادراک خود از فضا تنوع بخشد. در واقع میزان توجه و دقت، علاقه، انگیزه، نیاز و نوع مشغولیت ذهنی ما، در کم و کیف ادراک ما از



تصویر ۲۴. در این مجموعه ادراک صحنه دیگری از حسینیه آغا در یزد، در مقاطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. عدم سازماندهی مناسب در تدوین جزئیات صحنه باعث شده بعضی از اجزا که قاعدتاً می بایست در پرده‌های آخر ادراک شوند، در پرده‌های اول خود را نمایان کنند، و بدین لحاظ در نخستین نگاه، فضا حالت مانوسی ندارد و ترکیب‌بندی نامناسب و شلوغ در پرده‌ها، آهنگ آشفته‌ای تداعی می‌کند.

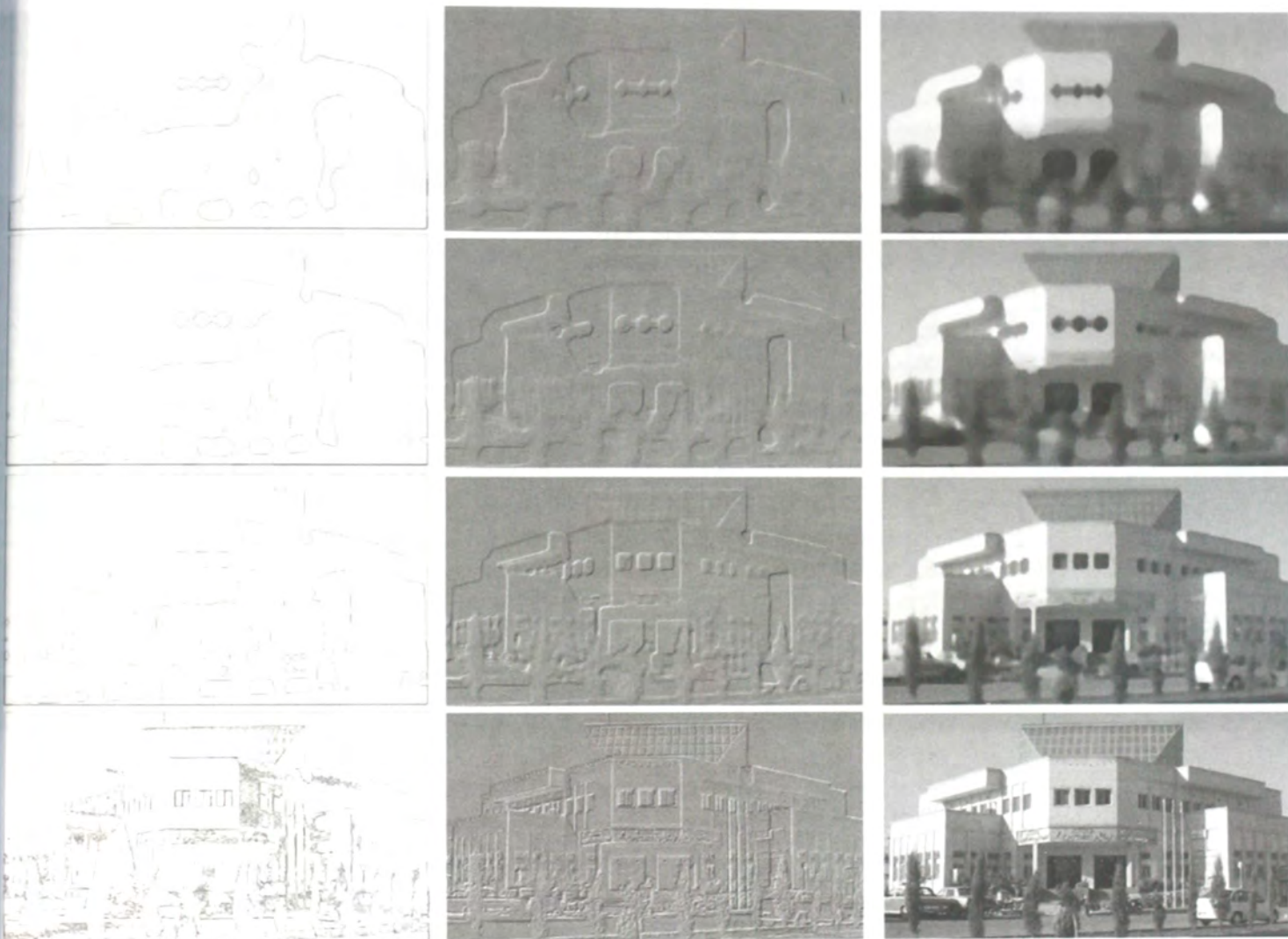
جزئیات فضا مؤثر است.

گونه‌گونی و تنوع ادراک در یک فضا امکان مکاشفه انسان از فضا را، در طول زمان حضور او به وجود می‌آورد، یا به عبارتی، حضور انسان در فضا می‌تواند به طور مستمر همراه با کشف پیام، معانی و رمز و رازهای جدید و متنوع همراه باشد و به کشف رابطه تازه‌ای بین عناصر و نمادهای موجود در فضا با ذهن بیانجامد و با حادث شدن تسلسلی

تصویر ۲۵. در این مجموعه تصاویر ادراک صحنه‌ای از نمای ساختمان مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، در چهار مقطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. همانند بودن جزئیات عرضه شده در تمام پرده‌ها، سبب یکنواختی و عدم تنوع در ادراک جزئیات نما شده است، به طوری که آهنگ آن شبیه فریادی است که به تدریج بلندتر می‌شود.

تازه در ادراک، برداشتی متفاوت از فضا به وجود آید.

با این نگاه، افراد مختلف نیز بسته به نوع نگرش، انگیزه، حرفه، و ویژگی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی خود برداشت و ادراک متفاوتی از فضا خواهند داشت. این در صورتی است که فضا دارای قابلیت لازم بوده و صحنه‌ها و پرده‌های متفاوت با بار معنایی و مفهومی متنوع در آن وجود داشته باشد و این حاصل نمی‌شود مگر با وجود کثرت در



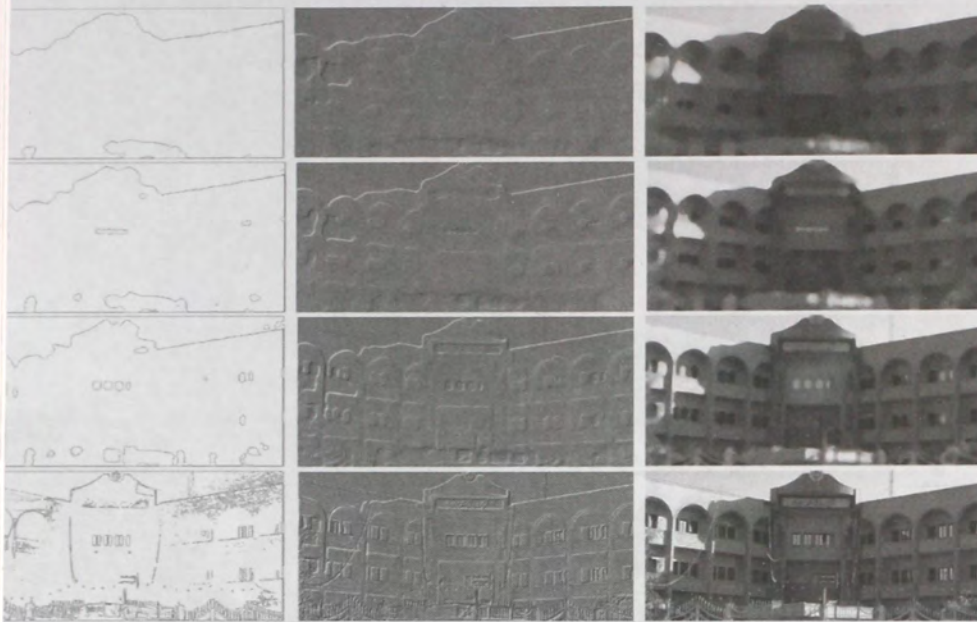
تصویر ۲۶. در این مجموعه تصاویر ادراک صحنه‌ای از نمای ساختمان اداره پست استان یزد، در چهار مقطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. ترکیب‌بندی نامناسب و نامأنوس در پرده‌ها باعث ناهنجاری در آهنگ فضا شده است.

فضا و قدرت و مهارت آفریننده و خالق فضا در سازماندهی و تدوین آن در سیر به سوی وحدت.

سخن آخر

در نتیجه‌گیری از مبحث فوق نکات زیر قابل ذکر و تأمل است:

- ادراک انسان از فضا در لایه‌های مختلف، در طول زمان و توأم با حرکت انسان (اعم از حرکت عینی یا ذهنی)، در قالب صحنه‌ها و پرده‌های مختلف شکل می‌گیرد و ادراک فضا بسته به موقعیت و شرایط انسان متفاوت است.
- همان‌طور که با صحنه‌پردازی در فضا و خلق صحنه‌های گوناگون می‌توان به تنوع در فضا دست یافت، ایجاد جزئیات



در فضا (وجود کثرت) و دسته‌بندی آن‌ها در پرده‌های مختلف نیز قابلیت تنوع بخشیدن به فضا را به وجود می‌آورد.

• صحنه‌پردازی‌ها و پرده‌بندی‌های غریب و نامأنوس در فضا باعث سخت شدن تعامل انسان با فضا می‌شود و ادراک فضا را دشوار خواهد کرد.

• تضاد بیش از حد و غیر قابل پیش بینی صحنه‌ها و پرده‌ها سبب عدم پیوند و گسستگی در ادراک فضا می‌شود، به طوری که احساس وحدت در فضا دشوار می‌شود.

• احساس شلوغی در فضا به علت وجود اجزای زیاد در فضا نیست، بلکه عدم تدوین و سازماندهی مناسب جزئیات در پرده‌های مختلف، به طوری که نتوان آن‌ها را در لایه‌های زمان ادراک کرد، باعث شلوغی فضا خواهد شد.

• به کارگیری جزئیات زیاد و تدوین استادانه آن‌ها به سوی وحدت در خلق آثار ماندگار هنری و معماری این سرزمین نقش بسزایی داشته است.

یادداشت‌ها

۱. به خالقیت خداوند متعال.
۲. الهی قمشه‌ای، سخنرانی در مجتمع هنر و معماری دانشگاه یزد.
۳. اشاره به آفرینش جهان هستی.
۴. اشاره به معاد.
۵. اندام‌های دیگر حسی از قبیل اندام‌های شنوایی و لامسه نیز در درک فضای معماری می‌توانند مؤثر باشند.
۶. بخشی از فضا که به صورت یک موجودیت مستقل قابل تشخیص باشد.
۷. حرکت به صورت ظهور عینی عبارت است از نسبت بین ذرات مفصلی که به تدریج به وجود می‌آیند و از بین می‌روند.
۸. دربرخی از بیماری‌های روانی مانند اسکیزوفرنی یا اعتیاد به موادی خاص، به دلیل عدم همکاری ذهن تسلسل استمرار تصاویر صحنه‌ها اتفاق نمی‌افتد.
(Kaplan & Sadock, 2000)

تصویر ۲۷. در این تصویر نیز ادراک صحنه‌ای از نمای ساختمان اداره برق استان یزد، در چهار مقطع متوالی از زمان و در چهار پرده نشان داده شده است. به علت همانند بودن جزئیات عرضه شده در تمام پرده‌ها، آهنگ به فریادی می‌ماند که به تدریج بلندتر می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. طالبیان، محمدحسین و کاظم مندگاری، پرسپکتیویته، گروه معماری دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۲. ایروانی، محمود، روانشناسی احساس و ادراک، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۳. طلا مینایی، اصغر، هنر، علم و معماری، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
۴. محی‌الدین بناب، مهدی، روانشناسی احساس و ادراک، نشر دانا، ۱۳۷۴.
۵. مشکوة‌الدینی، عبدالمحسن، نظری به فلسفه صدرالدین شیرازی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
6. Kaplan & Sadocks Comprehensive Text book of Psychiatry, 7th. ed., Lippincott Williams & Wilkins, Philadelphia, 2000.